

## نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### سرانجام کومه له

### رفتن در سنگر "چپ ناسیونالیسم کرد"؟

این مصاحبه را بیان میکند. ابراهیم علیزاده در این مصاحبه، دلبخواه به گوشه هائی از فلکتها و واقعیت های از یک دوره خونبار از تاریخ بشری که با طلوع خونین "نظم نوین جهانی" و فروپاشی اردوگاه شرق و جنگ اول خلیج پدروش شروع شد و همراه این جنگ ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق عروج کرد و جلال طالبانی و مسعود بارزانی با آن به قدرت رسیدند، دست برده است تا در اتکاء به آن صحت اسطوره "ناسیونالیسم چپ" خود را اثبات کند. در مورد رویدادهای



حسین مرادبیگی  
(حمله سور)

نشریه کردی زبان "ناسو" شماره ۱۴۴، یکشنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۵ با ابراهیم علیزاده مصاحبه ای انجام داده است. تیتر این مصاحبه: "منافع آمریکا با منافع کرد جور در نمیآید"، به اندازه کافی گویاست و به تنهایی محتوای

صفحه ۳

### "بمب" جمهوری اسلامی، خطر اصلی است!



ایرج فرزاد

حاکمیت انحصاری بر بنادر و صادرات و واردات را دارد و فعالیت های ارگانهای وزارت اطلاعات و افراد "بانفوذ" اطلاعاتی و امنیتی در اقتصاد چنان پروبال گرفته است که هیچ مقام رسمی و هیچ هیات بازرسی از عهده کنترل و حسابرسی آن بر نیامده است. اشاره هر از گاه مقامات جمهوری اسلامی به وجود و فعال مایشائی یک "مافیای نفتی" در وزارت نفت و حیف و میل کردنهای میلیاردی توسط کسانی که "مصلحت" نظام اجازه افشای نام آنان را نداده است، و در این اواخر اعلام تعطیل احتمالی "ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی" نشان میدهد که هر نوع تلاش برای نوعی انسجام واحد و استاندارد رسمی دولتی،

است. جمهوری اسلامی رژیم لایه ای از باندهای اسلامی است که نه تنها در نهادها و ارگانهای نظامی و امنیتی رسمی و غیر رسمی، و به گفته سران جناحها، ارگانهای "موازی"، عمیقا ریشه دوانده اند، بلکه هر ارگان و نهاد نظامی و سپاهی و بسیجی و امنیتی خود در اقتصاد فعالیت های خودمختاری را دارند که دست بردن به آنها کار ساده ای نیست. بیت رهبری، آستانهای رضوی و هر عنصر و آخوند و سردار و مقام امنیتی و رئیس هر نهاد حکومتی و هر نهاد "فرهنگی" اسلامی، از هاشمی رفسنجانی و هر بیت و حوزه جهلیه گرفته تا جنتی و واعظ طبسی خود در راس یک مافیای خود ویژه و "خودسر" اقتصادی هم قرار گرفته اند. سپاه پاسداران تقریبا

"بحران اتمی" که ظاهرا تناقض رژیم اسلامی با موازین بین المللی را در نقطه یک تشنج حاد قرار داده است، فقط نمائی از تناقض حکومت اسلام سیاسی با نیازهای جامعه ایران از یک سو و با مکانیسمهای اقتصاد بازار جهانی از سوی دیگر را برجسته تر کرد. این رژیم از راه اندازی مکانیسمهای اقتصاد سرمایه داری چه از نظر داخلی و چه از نظر جهانی بازمانده

### شکافهای جدید، معضلات قدیم!

### (در حاشیه اختلافات اخیر جلال طالبانی و جعفری)



عبدالله شریفی

در بازی پارلمان و مجلس و غیره است. میگویند که قوانین بازی رعیت نمیشود و... این اتفاق در حالی رو میدهد که هنوز بازی حول مضحکه قانون اساسی در عراق به سرانجام خود نرسیده است. هنوز چسپ هیچ اتحادی نگرفته است که اختلافات جدید دهن باز کرده اند. طبق جدول زمانی بوش، ۱۵ اکتبر روز "همه پرسى" حول داستان قانون اساسی مقرر شده است. تاکنون این بخش از سناریوی ویرانسازی عراق، با ترور و جنگ و انتحار، جان

ضمن استعدا از نخست وزیر جهت راه دادن "وزرای کرد" در تصمیم گیری، شکوایه از کنار زدن و به حاشیه افکندن وابستگان و گماشته گان جلال طالبانی و مسعود بارزانی در آنچه خود هیئت وزرا می نامند، موج میزند. میگویند تصمیم گیری يك طرفه سران وابسته به دستجات شیعه، تقسیم امکانات و سهم "کردها" را دچار اختلال و کسری کرده است. میگویند که ما رابه حساب نمی آورند. سراسر این نامه مملو از گله پیمان شکنی های دارودسته های شیعه، همان متحدین دیروزشان

چند روز قبل، نامه مشترک جلال طالبانی و مسعود بارزانی به جعفری "نخست وزیر" عراق، نور دیگر از جنگ و دعوی سران گمارده شده قوم و قبیله و مذاهب را بی پرده فاش ساخت. در تمام موارد این نامه،

صفحه ۵

### در صفحات دیگر:

- ناپدید شدن دو خواهر و فرزندان شان در شهر بوکان!  
- مدیر وبلاگ "روژوان میدیا" نمیتواند جاخالی بدهد!  
- نامه جمعی از زندانیان شهر سقز!  
- به اتحادیه های کارگری  
(حمایت از کارگران نساجی کردستان)

### ضمیمه اکتبر 58

### گزارش مبسوط مجید حسینی:

(حضور رهبران کمونیست در میان مردم و

حضور گارد آزادی در

محور سنندج \_ مریوان)

بزودی منتشر می شود!

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنون و حتی وارد شدن به تصفیه های خونین درونی را دارند. تنها راهی که میماند، خشک کردن این مرکز خطر و سیاهی است، قبل از آن که جامعه و منطقه و جهان "پا روی این میدان مین بگذارند" و مردم ایران، مردم منطقه و جامعه بشری را با تکرار اوضاع استیصال که دیروز در یوگوسلاوی و امروز در عراق و جدان بشری را در شنیعترین جنایات بی سابقه در منگنه گذاشته است، روبرو سازد. باید کاری کرد که قبل از مراحل تاخت و تاز "گردان" های مقاومتها و اشتباههای اسلامی و آغاز تصفیه های خونین بین دستجات اسلامی و تقابل اقتصادی و نظامی غرب و آمریکا با مردم ایران از نزدیک شدن جامعه ایران به میدان این باتلاق سهمناک جلوگیری کرد. جمهوری اسلامی را باید بزیر کشید و دول اروپائی و آمریکا را با اراده و تصمیم مردم ایران برای تعیین سرنوشت جامعه روبرو ساخت. راه متمننامه دیگری و راه کم دربرسر تر و فارغ از خون و خونریزیهای وحشتناک برای دور زدن خطر اسلام سیاسی و رژیم آن در ایران و در نتیجه خطر تبعات "بحران اتمی" آن متصور نیست. منشور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مصوب حزب ما، حکمتیستها، پلاتفرم خروج متمننامه و با کمترین مصائب از بحران و بن بست است که سر تا پای جامعه ایران را دربر گرفته است.

چنین چسب و سریشهای در متن یک تقابل نهادینه شده بین داروستجات سرتاپا مسلح به انواع سلاحها و به پشتوانه میدانهای خودمختار حاکمیت اقتصاد "رانت خواری" و در متن تاراجگریهای نهادینه شده میلیاردی مالی و پولی دستجات مختلف رژیم اسلامی، ممکن نیست. این رژیم قادر به حل بحران بقا خود نیست. جمهوری اسلامی در درجه اول بزرگترین مانع خروج جامعه ایران از این بحران لاینحل اقتصادی و سیاسی است. این رژیم باید برود و باید همراه با تمامی باندها و دستجات مسلح و تمامی نهادهایی که پدیده اسلام سیاسی را باز تکثیر میکنند بزیر کشیده شود. این یک واقعیت جامعه ایران و عبور از آن یک وظیفه جامعه ایران و مردم ایران و مردم منطقه و جهان است. اما در همان حال بر متن تشدید بحران اتمی، اروپا و آمریکا نیز با تهدید به تحریم اقتصادی و احتمال دخالت های نظامی در مراحل حادث شدن بحران، در برابر این نیاز واقعی جامعه ایران، نسخه عراق و سناریو سیاه را بالای سر جامعه ایران آویزان کرده اند. تلاش سران رژیم اسلامی برای یافتن یک راه برون رفت "متحد" برای مقابله با هر دو حالت "خطر" به عین آرایش عناصر سناریو سیاه در درون دستجات اسلامی را نشان میدهد. در هر صورت، این باندهای اسلامی برای حفظ قدرت خود هم که باشد، ظرفیت روی آوری به

باید از اهرمها با صبر و مدبرانه بدون ایجاد تحریک و تنش استفاده کرد" جالب این است که روز بعد از ایراد "خطبه" رئیس تشخیص مصلحت، تظاهراتی با شعارهایی علیه "مافیای" نفتی که رفسنجانی و اعضای خانواده اش از مهمترین عناصر آن هستند برپا شد. کار به آنجا رسید که لاریجانی که تاکنون به عنوان یکی از عناصر تندرو و فالانژ جناح راست شناخته شده است همراه با محسن رضائی از میدان مدارا و ادامه سیر مذاکرات سربر آوردند. و آخرین تحولات مربوط به تلاش "رهبر" برای افسار زدن به مطلق العنانی و استقلال و خودمختاری جناحها و باندها که در سه "قوه" لانه کرده اند، تعیین شورای مصلحت به عنوان ارگان ناظر بر کار هر سه قوه بود. و جالب است که در راس این شورای مصلحت کسی مثل رفسنجانی قرار گرفته است که تجربه شکست خورده دولت "سازنگی" و دو شکست بزرگ و کوبنده در انتخابات مجلس ششم و این آخرین انتخابات ریاست جمهوری را تحمل کرده است. یعنی کسی که علاوه بر دریافت "عدم مشروعیت" اسلامی در همان مضحکه های انتخاباتی، خود مصداق یکی از تالانگران اقتصادی است. شورائی که کروی استعفا از آن را تقدیم رهبر کرده است و عز خاتمی بی سر و صدا خواسته شده است. حظ ریسمان وحدت با

اسلامی که در تلاش برای بقا خود نیروهای خود را به شکل هر "ارتش آزادیبخش" خلقها در خواهند آورد، صحنه را در دست خواهند گرفت. این را وقایع عراق و تحولات یوگوسلاوی و فعالیتهای جنایتکارانه ارتش آزادیبخشهای کوسوو و مقدونی و ارتش مهدی و نشانه های جمهوری "شیعیان" در جنوب عراق و عملیات فوق جنایتکارانه و انتحاری "سنی" ها به همه گفته اند.

تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی را با معضل اتخاذ "سیاست واحد" روبرو ساخت. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تلویحا در مقابل تظاهراتی که توسط بسیج سپاه پاسداران راه افتاده بود که در آن فرمانده بسیج، سرتیپ پاسدار، خود به صف تظاهرکنندگان پیوست و شعار مرگ بر انگلیس را سرداد، خطاب به اروپا و آمریکا گفت: " این میدان، برای شما میدانی است که عبور از آن آسان نیست، این میدان، میدانی مین گذاری شده و خطرناک است که اگر درست حرکت نکنید، هزینه های زیادی بر خود، منطقه و جهان تحمیل می کنید." اما بلافاصله نگرانی خود را از صف آشفتگی در بالاترین سطح حاکمیت خطاب به "مسئولان نظام" چنین بیان کرد: " این میدان، به جای اینکه بیشتر جای شعار باشد، جای عقلانیت، مذاکره و دریچه ای برای رسیدن به اهداف است.

حتی به آن شکلی که مثلا در عربستان سعودی اعمال میشود، به سد "مراکز متعدد قدرت" برمیخورد، مراکزی که قدرت نظامی و نیروی نظامی و امنیتی خود ویژه را به عنوان حافظ آن قدر قدرتی اقتصادی نیز بکار میگیرند. و رژیم اسلامی حکومت انتقالی چنین باندها و دارو دستجات سرتا پا مسلح و در عین حال حاکم بر میدان عملیات مافیائی در عرصه اقتصاد است. اقتصاد و تولید تحت چنین رژیمی غیر ممکن است راه اندازی شود. بحران بقا رژیم اسلامی در متن تعدد مراکز قدرت ملوک الطوائفی دستجات اسلامی فقط با کنار رفتن و ساقط کردن کل رژیم اسلامی "حل" خواهد شد، واقعیتی که نه غرب و آمریکا و نه اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی به آن تن نداده اند و کماکان تن نمیدهند.

آنچه که با بحران اتمی به جلو صحنه پرتاب شد، همین خصلت خود ویژه اسلام سیاسی در هیات حکومت جمهوری اسلامی است. مردم ایران باید به روشنی بدانند که چنانچه کل رژیم اسلامی به نیروی خود آنها بطور کامل در هم شکسته نشود، تحفه فدرالیست چی ها و قوم پرستان مرتجع در دوره فروپاشی جمهوری اسلامی و در دل تقابل نظامی و اقتصادی غرب و آمریکا علیه مردم ایران، استقلال آنریبلان جنوبی و جمهوری الاحواز و ... توسط بقایای دستجات مسلح

## کمونیت ماهانه، به سر دبیری فاتح شیخ منتشر شد!

### کمونیت هفتگی، روزهای جمعه منتشر می شود!

تماس با اکتبر:

sharifi\_abdollah@yahoo.com  
Tel: 0046736975226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی  
esmail.waisi@gmail.com

اکتبر

کمیته کردستان حزب کمونیت کارگری \_ حکمتیست

دبیر: حسین مراد بیگی (جمه سور)

h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست

دوستان و آشنایان خود برسانید!

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

### سرانجام کومه له .... از ص ۱

و جنلهایی این دوره که منجر به جدایی از حزب کمونیست ایران شد من توجه خواننده را به خواندن مباحث جالب و آموزنده این جنلهای در کتاب بحران خلیج و "فقط تو گم به پس" و دیگر نوشته های این دوره از منصور حکمت و نوشته همه آنهايي که در این جنلهای شرکت داشتند، جلب میکنم ابراهیم عزیزه با ورق زدن مجدد این رویدادها تلاش میکند فاکتهای ناسیونالیست کرد"ی که کومه له طاهرا تصمیم گرفته است در آن فرو رود، انطباق دهد. در مورد این میشود مفصل تر نوشت، ایرج فرزند در همین مورد مطلبی نوشته است که در پاسخ شماره 38 چاپ شده است، منم در حد نشریه اکتبر به این پروژه شکست خورده که مجدداً از جانب ابراهیم عزیزه به میدان آورده شده است، اشاره میکنم.

### واقعیت یا جعل؟

به این پاراگراف که در واقع اکنون پایه "نئوریک" رفتن کومه له به سنگر "چپ ناسیونالیسم کرد" است توجه کنید و آن را با آنچه که در عالم واقع روی داده است مقایسه کنید:

ابراهیم عزیزه میگوید: "از آن روزی که آمریکا پایش را به منطقه گذاشته است، قدرت نیروهای سیاسی کرد نه تنها اصلاً زیاد نشده است که کمتر هم شده است. اگر باینتان باشد آمریکا در سال 1991 موافق این قیام نبود (منظور قیام سال 91 مردم کردستان عراق بدنبال حمله دولت آمریکا به عراق علیه صدام حسین است). به این جهت به نیروهای صدام راه داد که به کردستان برگردند تا مردم کردستان را سرکوب کنند. بار دیگر در فضای عاطفی که بدلیل کوچ و آوارگی که پس از آن پیش آمد، باز این مردم کردستان بودند که صدام را فراری دادند. از مدار 36 درجه

صحبت میشود. یک جنبه تعیین کردن آن مدار این بود که از یورش نیروهای صدام جلوگیری شود که البته دیدیم نشد و نیروهای صدام به شهر اربیل حمله کردند. اما جنبه دیگر مدار 36 درجه که در رسانه های کردستان فراموش میشود، این بود که کردها حق نداشتند از چمچمال پیشان را فراتر بگذارند." همانجا.

این ها، ظاهراً در این دوره به میدان کشیده شده اند که رفتن کومه له در سنگر "چپ ناسیونالیست کرد" را توجیه کنند. سنگری که بسیار قبل تر از این شکست خورد و رفت پی کارش. به قدرت رسیدن خطر رسمی ناسیونالیسم کرد، بیانگر شکست این توهم "ناسیونال خلقی کرد" است. میگویند از وقتی که آمریکا به منطقه پا گذاشته است، قدرت نیروهای سیاسی کرد نه تنها اصلاً زیاد نشده است که کمتر هم شده است! این فاکت آنقدر غیر واقعی است که نه تنها رهبران ناسیونالیست کرد که هر ژورنالیست معمولی و حتی خود مصاحبه کننده نیز به آن میخندند. واقعیت این است که ناسیونالیسم کرد در اتکاء به سیاست دولت آمریکا به قدرتی مافوق تصور و خیال خود رسیده است. چمچمال که سهل است، جلال طالبانی از قبل به خاک سیاه نشانیدن مردمان دیگری به ریاست جمهوری عراق رسیده است، طوریکه خود ابراهیم عزیزه و کمیته مرکزی کومه له هر دو بر هم سیفت گرفتند تا این دست آورد ناسیونالیسم کرد را با خوشحالی به جلال طالبانی تبریک بگویند. رهبری حزب کمکرات کردستان ایران نیز با خوابیدن در باد این خیال است که سیاست خود را در منطقه به سیاست دولت آمریکا گره زده است. دارند روشنفکران و "ماموستا ها" و سرمایه داران کرد در دیگر نقاط کردستان را نیز در آن سهیم میکنند. و توده های کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان عراق نیز همچنان با فقر و فلاکت و

گرانی سرسام آور دست و پنجه نرم میکنند. قرار هم نبود که خودمختاری و اکنون فدرالیسم نانی به سفره کارگر و زحمتکش کردستان اضافه کند و آزادی و رفاه را برای مردم کردستان تامین کند. این وضعیت اما میتواند شکننده باشد، اوضاع عراق ناروشن است، جامعه کردستان عراق هنوز در بلاتکلیفی بسر می برد و آینده حقوقی آن روشن نیست. ابراهیم عزیزه از ارائه راه حل برای این وضعیت و نه فقط و صرفاً وضعیت "کردهای عراق" ناتوان است، ناچار در نگرانی های ناسیونالیسم کرد و سران آن سهیم شده است. دارد با موجودی از جنبش خود که بر نوش "امپریالیسم" به قدرت رسیده است از موضع "ضد امپریالیستی" ناسیونالیسمی شکست خورده دیالوگ میکند. نگران از دست رفتن موقعیتی است که برای ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق دست داده است. متوجه از دید تنفر و انزجار توده کارگر و دیگر مردم زحمتکش و آزادیخواه کردستان از رهبران ناسیونالیست کرد در کردستان عراق هست، فقر و فلاکت مردم تحت سطرله تحفه "ناسیونالیسم کرد" را می بیند، سرخورگی مردم کردستان را از ناسیونالیسم کرد و رهبران احزاب ناسیونالیست شاهد است، میدانند مردم کردستان عراق بلاتکلیفی و آینده ناروشن خود را از قبل سیاستهای ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه میدانند، می بیند که آنها بخاطر شریک شدن در قدرت زندگی و آینده مردم کردستان عراق را در قمار خطرناکی گذاشته اند، در دلشوره های ناسیونالیسم کرد خود را شریک کرده است و از هم اکنون و برای در بردن آنان از زیر تیغ اعتراض مردم کردستان، گناه شکست این پروژه را به گردن آمریکا و سیاست دنباله روی از آمریکا میاندازد و برای این کار همان تز قدیمی "دولت آمریکا به کردها خیانت کرد" را از آستین درآورده است. میخواهد

مردم کردستان را مطمئن کند که اگر این پروژه شکست خورد، یا نا موفق از آب در آمده است! شکست افق ناسیونالیسم متکی به سیاست دولت آمریکا است. افق "ناسیونالیسم چپ کرد غیر آمریکائی" متکی به "خلق کرد" شکست نخورده است و کومه له آن را حراست خواهد کرد. این کل پروژه جریانی است که خود را چپ میخواند. این توضیح واقعیات تاریخی برای توده کارگر و زحمتکش از زبان کسی و جریانی است که حتی ادعا میکند که سیاستش کمونیستی است! این ها در حقیقت چیزی نیستند جز تکرار فراز و نشیب های یک گرایش ناسیونالیستی اما در قالب و فرمولهای مواضع "چپ" غیر کارگری.

### این پروژه منتهاست شکست خورده است!

"چپ ناسیونالیسم کرد" پروژه ایست مربوط به گذشته و از منتهای قبل شکست خورده است، نه تنها این که کل سنت "پوپولیسم خلقی" نیز مضمحل شد. عده ای به این دلیل راه دیگری رفتند که عمر این "ناسیونالیسم میلیتانت" بسر رسیده بود. "چپ ناسیونالیست کرد" توهمی است که کومه له اکنون بعد از 15 سال به آن برگشته است. ابراهیم عزیزه بعد از 15 سال رخوت و سر خود را لای برف فرو کردن ظاهراً تازه به آلترناتیو "غیر آمریکائی" سازمان زحمتکشان رسیده است. این ناسیونالیسم در سال 91 در توهمات جنبش ملی کرد و سران آن شریک شد، آن را "دولت نوپا" نام نهاد، نسبت به مواعد دولت آمریکا و سهم بری از فتوحات غرب خود را سهیم کرد، به کسب حقوق ملی کرد به اینها چشم دوخت، از پیشروی آنها ذوق زده شد، کواکولای خود را یافت، به آنها عرض ادب کرد، از انتقاد های آیکی گاه و بیگاه و از موضع چپ جنبش ملی کرد به آنان نیز دست برداشت و حمایت و مناسبات خود را با کل

این جبهه کردستانی و احزاب متشکله آنها گسترش داد. گفتن اینکه منافع دولت آمریکا با ناسیونالیسم کرد و سران آن در تباین است، در حقیقت اظهار

ریاکارانانه دلرنجی این ناسیونالیسم از عدم همکاری کامل دولت آمریکا با ناسیونالیسم کرد است که انتظار آن را دارد. می داند و می بیند که اینها اکنون قدرند، پلیس و نیروی نظامی دارند، کارگر و کمونیست آن جامعه را سرکوب میکنند، رهبر و فعال کارگری را ترور و دستگیر و زندانی میکنند، آزادیهای سیاسی را محدود میکنند و برای کمونیستها آن را ممنوع میکنند، با اینحال دایه مهربانتر از مادر میشود و برای آنان در مقابل این مردم "مظلوم" نمایی میکند!

ابراهیم عزیزه تصمیم نیروهای حاکم ناسیونالیست در کردستان عراق برای فراخوان دادن مردم به تصویب پیش نویس "قانون اساسی" که با شریعت و اسلامیت و قومیت عجین شده است را می بیند، می بیند که احزاب ناسیونالیستی کرد که به چیزی بیش از سهم خود رسیده اند، نه قادرند، نه مایل اند و نه حتی این کالیبر را دارند که پای راه حل مستقل کردن کردستان عراق بروند، در دلشوره های آنان خود را شریک میکند و در صورت عدم موفقیت آنان آلترناتیو "ناسیونالیسم چپ کرد ضد آمریکائی" خود را که گویا شکست نخورده است، برای نجات ناسیونالیسم کرد رو کرده است.

ما گفتیم که کومه له منتهاست در یک تناقض بسر می برد. گفتیم رهبری کومه له نمیخواست تماماً به ناسیونالیسم کرد به پبوندند. میخواست اختلاف خود را تا حدی با سازمان زحمتکشان نگهدارد، در عین حال هویت خود را در دوری و دشمنی با کمونیستها تعریف کند. پائین آن در داخل شهرها اما برعکس رهبری آن، خود را به ما نزدیک میدید و هنوز هم می بیند و هر وقت

## آیا کسی وکالت ما را قبول میکند؟

### به کانون وکلای ایران و تمام وکلای انسان دوست به تمام نهادهای مدافع حقوق انسان

ما ۹ نفر از دستگیرشدگان در شهر سقز هستیم که در جریان اعتراضات شهرهای کردستان بدون هیچ مدرک و جرمی از جانب نیروی انتظامی و مرکز اطلاعات جمهوری اسلامی بازداشت شدیم. بدنبال اعتراضات وسیعی که به دستگیری مردم در شهرهای مختلف صورت گرفت به تالوب با وثیقه های سنگین آزاد شده ایم. هنوز پرونده و دادگاهی ما در جریان و معلوم نیست

مقامات قضایی چه تصمیمی خواهند گرفت و سرنوشت ما چه خواهد شد. همچنانکه اشاره کردیم ما هیچ جرمی نداریم و دستگیری و زندانی ما خلاف تمام قوانین مدنی است که امروز در سطح جهان رسمیت دارد. دستگیری و زندانی و ضرب و شتم ما چیزی جز زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق انسانی ما نبوده است. اکنون هم تازه باید منتظر باشیم تا مقامات محترم قضایی جمهوری اسلامی که متأسفانه پایمال کردن حقوق انسانی ما شهروندان این جامعه و صدها نفر چون ما را به عنوان قانون تائید کرده اند، در مورد سرنوشت ما تصمیم بگیرند. حقیقت این است که در این مملکت زندانی حقوقی ندارد و کسی در

قیال وکالت و هزینه های آن جوابگو نیست و خود زندانی باید در فکر آن باشد و این هم دیگر متأسفانه نزد مقامات قضایی قانونی است. ما امضا کنندگان این نامه ضمن اعتراض به این حق کثی، ضمن اعتراض به زندانی کردن شهروندان به جرم نظر و عقیده و بیان مخالفت، اعلام میکنیم که هیچ امکانی برای گرفتن وکیل نداریم. به همین دلیل این نامه را نوشته و امید ما این است که کس یا کسانی وکالت ما را قبول کنند و دست انساندوستی ما را بگیرند. امید ما مردم انساندوست و شرافتمند ایران و صدها وکیلی است که خدمت به بشریت را بالاتر از هر چیز میدانند. ما چشم امید به کمکهای انسانی

شما دوخته ایم و منتظر جوابی از جانب شما هستیم.  
۱\_ لقمان مهری  
۲\_ محمد صالح ناصری  
۳\_ جعفر شریفی  
۴\_ سعدی خادمی  
۵\_ عباس رضازاده  
۶\_ فتاح رضازاده  
۷\_ لقمان خیاطباشی  
۸\_ پیمان مهری  
۹\_ رضا عزیز  
نوم مهر ماه ۱۳۸۴

## به اتحادیه و تشکلهای و نهادهای کارگری!

از کارگران کارخانجات نساجی و شاهو در سنندج حمایت کنید طبق اطلاع رسیده کارفرمای کارخانه نساجی کردستان در سنندج 45 نفر از کارگران را اخراج کرده است. دیگر کارگران کارخانه نساجی در حمایت از کارگران اخراجی و برای بازگرداندن آنان به سرکار از روز شنبه 24 سپتامبر دست به اعتصاب زده اند. همچنین 40 نفر از کارگران قراردادی کارخانه شاهو نیز توسط کارفرما اخراج شده اند. بیانیه مشترک 28 نفر از کارگران شاهو در رابطه با صندوقهای کمک مالی این در واقع شرایط اسفناک کاری هزاران کارگر دیگر در دیگر مراکز کار در سراسر ایران است. جمهوری اسلامی و

کارفرمایان علیه کارگران دست به یکی کرده اند. با تحمیل قرار دادهای موقت، کارگران را از کار بیکار و اخراج میکنند. نه حقوق و مزایای کاری آنها را پرداخت میکنند و نه به کارگران بیکار شده بیمه بیکاری مکنی میدهند. کارگران بیکار و اخراج شده را در شرایط سخت زندگی فعلی در دامن بی رحم فقر و فلاکتی که به جامعه ایران تحمیل کرده اند، رها میکنند. اتحادیه و تشکلهای و نهادهای کارگری و مدافع کارگر کردستان و شاهو در سنندج و نساجی کردستان و شاهو در سنندج و دهها هزار کارگر دیگر در ایران به حمایت مادی و معنوی و پشتیبانی شما احتیاج دارند. کارگران ایران خواهان لغو قراردادهای موقت هستند. دولت در

مقابل بیکار سازی و اخراج کارگران مسئول یافتن کار و یا دادن بیمه بیکاری مکنی به همه افراد آماده بکار است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست همه اتحادیه ها و نهادهای و تشکلهای کارگری را برای حمایت مادی و معنوی از کارگران نساجی و شاهو و کارگرانی که شرایط مشابهی دارند، فرامیخواند. در ضمن 28 نفر کارگر اخراجی شاهو که نزدیک به یک سال است حقوق نگرفته اند، برای مقابله با اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی صندوق کمک مالی ایجاد کرده اند که شماره حساب بانکی آنان را در اختیارتان قرار میدهم تا کمکهای مالی خود را از طریق این شماره حساب به دست کارگران شاهو برسانید.

شماره حساب: 1438 کد حساب 5520 بانک ملی شعبه میدان آزادی سنندج صاحبان حساب: خالد سواری- اسماعیل کاظمی

حسین مرادیگی  
دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سه شنبه پنجم مهرماه 1384 - 27 سپتامبر 2005

"صفوف خلق کرد" ظاهراً آن سنگر "ناسیونالیسم چپی" است که کومه له بدان رسیده است و تصمیم دارد باقی عمر سیاسی خود را با آن ور برود.

4 اکتبر 2005

ناسیونالیسم کرد را ادامه میدهد. "افتخار" رابطه با پژاک و برخورد ملایم با سازمان زحمتکشان و خبر دادن از اینکه عده ای به اشتباه گره زدن منافع خود با سیاست آمریکا در منطقه پی برده اند و دارند در آن تجدید نظر میکنند و تلاش برای متحد کردن

خوردن تناسب قوای محلی، ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق به نتیجه نرسد و شکست بخورد، این شکست آن بخشی از ناسیونالیسم کرد است که منافع خود را به منافع دولت آمریکا در منطقه گره زده بود. آن بخشی که از این "مصون" است، موجود است و "رسالت"

وگرنه زیر فشار این تناقض بتدریج آب میشود و از بین میرود. به نظر میرسد که کومه له با رفتن در سنگر "چپ ناسیونالیست کرد" دارد به این تناقض پایان میدهد. شیفته این ناستالژی و رجعت به گذشته شده است. بزعم ابراهیم عزیزاگر در بستر تحولات آتی و بهم

فرصتی پیش بیاید آن را اعلام میکند. ما هم خود را با آنها نزدیک می بینیم. گفتیم این تناقض را کومه له نمیتواند تا سر ادامه دهد. گفتیم ناچار است یا به چپ بچرخد و علناً از آن دفاع کند، یا برآست و ناسیونالیسم کرد به پیوندد.

## به کمیته کردستان حزب حکمتیست، کمک مالی کنید!

کمک های مالی خود را از هر طریق مناسب و مهمک بدست ما برسانید!

## به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!

### کمک‌هایی مالی به کمیته کردستان که به دست خالد حاج محمدی رسیده است!

۳۰۰ کرون	مرتضی ظاهری	۲۰۰۰ کرون	داریوش نیکنام
۴۰۰ کرون	پرستو مهاجر و آوات شریفی	۵۰۰ کرون	کیوان کتابی
۳۰۰ کرون	جمال پیرخضری	۵۰۰ کرون	مختار محمدی
۳۰۰ کرون	شهین مثنای	۵۰۰ کرون	عبدالله شریفی
۴۰۰ کرون	توفیق پیرخضری	۱۸۰۰ کرون	جمع شده در دانمارک
۱۳۵۰ کرون	محمد فتاحی	۴۵۵ کرون	حیدر خدزی
۲۲۵۰ کرون	جمع شده از کانادا	۱۴۵۵ کرون	رضا کمانگر
۳۰۰ کرون	حسیبه چوپانی	۱۰۰ کرون	ابراهیم هوشنگی
		۱۵۰ کرون	محمد رهبر و پرشنگ خاتمی
		۳۰ کرون	غفور زرین
		۴۰ کرون	فواد عبداللهی
		۱۰۰۰ کرون	مریم افراسیاب پور
		۱۰۰۰ کرون	خالد ظاهری

### ادامه کمک‌های رسیده در شماره آتی اکتبر خواهد آمد

### شکاف‌های جدید، معضلات قدیم .... از ص ۱

صدها شهروند عراقی را گرفته است. به نظر میرسد جنگ بر سر غارت و چپاول در میان جریانات قومی و مذهبی، نقشه آمریکا و متحدین را جهت آتش بس و مهار کردن گانگسترهای قومی و مذهبی ناکام گذاشته باشد.

اختلاف اخیر طالبانی و جعفری بروز واضح تناقضاتی است که کل این سناریو با خود ینگ می کشد. سران احزاب ناسیونالیست کرد میخواهند هم موقعیت فرعونیی خود را در کردستان حفظ کنند و هم در بازار سراسری تر عراق بازی داده شوند. ساخت و پاخت بر سر حفظ موقعیت کنونی البته برای طالبانی و بارزانی مشکلی نیست، اینها حاضرند به هر سو چرخانده شوند، معضل اصلی اما برای مردم کردستان سر جای خود باقی است. مسله کرد به عنوان یکی از آن معضلاتی که در این ۱۴ سال میاید و میروند، هنوز لاینحل باقیمانده است. مردم کردستان بعد از ۱۴ سال آویزان بودن مدنیت از معلق بودن زندگی و جامعه خسته شده اند. مردم نان و برق و مدرسه و کار و زندگی و آزادی میخواهند. مردم می بینند که طی این ۱۴ سال تعدادی از رهبران و مسولین

این احزاب به ثروت و سامان سرسام آوری چنگ انداخته اند و کارگر و زحمتش جامعه هم چنان در فقر و فلاکت دست و پا میزنند. این وضع برای مردم قابل تحمل نیست. مردم کردستان میخواهند مسله کرد که سالها است بلای جانشان بوده است، حل شود. سران احزاب قومی کرد با ترغیب فرنگه داریم و تلویزیون خودمان را داریم" نمی توانند بیش از این سر مردم شیره بمانند، حتی با تیراندازی و سرکوب مخالفان هم با این شرایط قادر به ادامه کاری با ثباتی نخواهند شد. این قضیه اکنون مسجل است که سران احزاب ناسیونالیست کرد نه پای تشکیل دولت مستقل در کردستان می روند و نه کالیبر حل مسله کرد را دارند. اینها حتی بر اسطوره "کرکوک پایتخت کردستان" پافشاری عجیبی ندارند. در همین مضحکه قانون اساسی هم در پیشنویس جدید آن، حتی با نره بین دنبال واژه های دال به به رسمیت شناسی همان "حقی" که خودشان بارها تفسیر کرده اند و مردم را برایش خانه خراب کرده اند، هستند و نمی یابند. آنچه که دیده میشود تلاش طالبانی و بارزانی برای حفته کردن بساطی است تحت عنوان قانون اساسی که آن هم، مهر دست بالای اسلامیها را به

وضوح بر خود دارد. طبق همین پیش نویس قانون اسلامی است و شریعت و آخوند حکم می رانند. در این مورد اعتراض به درون محافل ناسیونالیستی کرد هم تسری یافته است. نیروی پایین ناسیونالیسم کرد را به بی اعتمادی و سلب امید از "رهبران" سوق داده است. در حقیقت خود این احزاب قومی در کردستان عراق به کانون تناقضات جدی سر راه حل مسله کرد تبدیل شده اند. دلکذ بازی تقسیم کرسی و پست و درجه، مردم آزادیخواه و ستم دیده عراق را به آنچه زیر تینتر دولت و قانون و رئیس جمهور و غیره مجاب به پذیرش این چرندیات در زندگی خود نمیکند. طالبانی رئیس جمهور جایی در چشم مردم نیست، طالبانی و بارزانی همان گمارگانی هستند که در این گله نامه ظاهر شده اند. اینها طی جنگی خونین و خانه خراب کردن مردم کردستان چند سال قبل هر يك به این سهم رسیدند. اینها نه حکومت هستند و قانونمدار. طالبانی قرار بود با ملیشای حزبش تا اطلاع ثانوی سلیمانیته و اطراف را بصورت اردوگاهی، البته نه جامعه متعارف، اداره کند. قرار بود حوزه سهم بری و دزدی و غارت محدود باشد. اینکه باتلاق عراق برای آمریکا کار دستشان داد و اتفاقات محیر العقول افتاد

هستند، خطر فلاکت بیشتر، جنگهای قومی و مذهبی گسترده تر، وسعت دامنه ترور و کشتار و تخریب جامعه نه تنها مردم عراق بلکه منطقه و جهان متمدن را هدف قرار داده است اما، به موازات تداوم این سناریوی برزخی، مردم دارند به واقعیات چشم باز میکنند. مردم کردستان و بویژه جوانان، این زندگی اردوگاهی و بی افقی را در کنار تاخت و تاز دستجات مسلح قومی و مذهبی بر سر نوشت خود نمی پذیرند. اگر از يك طرف اشغالگران عراق، اسلام سیاسی، ناسیونالیسم کرد و عرب در تخریب جامعه عراق صافبندی کرده اند از طرفی دیگر مردم آزادیخواه و کمونیستها و جهان متمدن برای راهی جامعه قرار میگیرند. رها کردن جامعه عراق کار جبهه مقابل است. باید به این کانون مصائب مردم عراق خاتمه داد، باید مردم را علیه دو قطب ترور و کشتار به میدان آورد، باید اسلام سیاسی را از سرچشمه خشکاند. این راه واقعی و مسیر کم مشقت مردم منطقه و حل اساسی معضل عراق است.

## مدیر وبلاگ "روژوان میدیا" نمیتواند جاخالی بدهد!

اسلامی است و این هم برگ "زرین" دیگری به کارنامه سیاه ناسیونالیسم کرد اضافه میکند.

**دبیر خانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

1 اکتبر 2005

اینها از پیشروی مادر کردستان نگرانند. میدانند با آن آزادیخواهی و برابری طلبی رشد میکند، میدانند با آن دفاع از حرمت انسان و از انسانیت و از نفس رفاه و خوشبختی انسان در جامعه رشد میکند و همراه آن ارتجاع و خرافه ملی و قومی نیز به حاشیه رانده میشوند. از این نگرانند، استدلال سیاسی ندارند. مدیر وبلاگ روژوان میدیا پول گرفته یا نگرفته این کار و شیوه جمهوری

اینجا تکرار همان فحاشی های مجدد است. آقایان! جواب بدهید! خجالت نکشید! سرتان را بالا بگیرید و از تاریخ و کارنامه تان دفاع کنید. کسانی که جنبش شان، احزاب و رهبرانشان از بدو تولد تاروز مرگ در شکاف دولت های منطقه زندگی کرده اند، مدیر وبلاگشان هم از این بهتر از آب در نخواهد آمد.

فحاشی مدیر وبلاگ روژوان میدیا متعلق به حزب دمکرات کردستان ایران (کردستان میدیای چند روز پیش) علیه منصور حکمت و ما حکمتیست ها، خیلی گویا است. وقتی در پاسخ اتهام همکاری ما یا منصور حکمت با جمهوری اسلامی، کارنامه سنت خودشان و حزب شان را جلو گذاشتیم و پرسیدیم که همکاری کرده ایم که این چنین کارنامه ای داشته باشیم؟ جواب

## ناپدید شدن دو خواهر و فرزندان شان در شهر بوکان!

جان این دو خواهر و فرزندان شان می دانیم.

**سلام زیجی**

**دبیر کمیته بوکان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**

۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹  
s\_zijji@yahoo.se

۱۲ مهر ۸۴ اکتبر ۲۰۰۵

و مراکز نیروهای انتظامی رژیم خواهان پیدا کردن آنان و معرفی فوری عاملین این آدم ربائی شوید. اجازه ندهید بیش از این افسار زن ستیزی اسلام و فرهنگ پوسیده ملی در سایه حکومت ضد زن اسلامی بر علیه زنان و دختران رها گردد. کمیته بوکان حزب حکمتیست این عمل قبیح و وحشیگرانه را بشدت محکوم می کند و به همراه مردم بوکان برای نجات جان این عزیزان همه تلاش خود را خواهد کرد. ما جمهوری اسلامی را مسئول

مردم بوکان! جان ۶ انسان در خطر است! ماران و کودکانی که جرمشان زن بودن است قریب به دو هفته است ناپدید گردیده اند. معلوم نیست که چه بلائی بر سرشان آمده و چه جنایتی علیه آنها اعمال شده است. به داد این انسانهای شریف بشتابیم! شرکا مجرم این نوع جنایتها، یعنی مقدمات حکومت اسلامی را تحت فشار قرار دهید و آنها را بعنوان مسئول اصلی جان این ۶ نفر معرفی نمایید. با تجمع و گردهمایی در مقابل فرمانداری

اخلاقیات کثیف اسلامی و قومی و ضد زن ارتباط دارد. جمهوری اسلامی و فرهنگ و سنن عقب مانده قومی و ناسیونالیستی بعنوان دو پدیده ارتجاعی و ضد زن بانی تمامی مشقات و تحقیر و ترور اعمال شده بر زنان است و هر روز در اشکال مختلف آنرا باز تولید می کنند. این نوع جنایت بعنوان هولناکترین رویداد ضد انسانی باید تمام مردم را تکان دهد و صدای هر انسان آزادیخواهی را بلند کند.

از دو هفته پیش خبر ناپدید شدن "شیرین" و خواهرش به همراه چهار فرزند دخترشان در شهر بوکان پخش شده است. آخرین خبری که امروز ۱۲ مهر بسبت ما رسیده است حاکی از این است که این ۶ نفر همچنان ناپدید هستند و شایعه مبنی بر اینکه اقدام و هدف "شخصی" پشت این فاجعه و عمل وحشیانه وجود دارد در سطح شهر پخش شده است. این اقدام کثیف از جانب هر کس و باند و گروهی و به هر دلیلی صورت گرفته باشد مستقیمآبه فرهنگ و

## کارگران پروژه ملی گاویشان دست به اعتصاب زدند.

آنان پرداخت نمایند. اما کارگران به این وعده که در گذشته هم از طرف رئیس کارگاه ابراز شده و به نست فراموشی سپرده شده بود، اعتبالی نکرده و ادامه کار را به پرداخت دستمزدهای معوقه خود از سوی مدیریت این پروژه، مشروط کردند.

افتاده، کارگران را در شرایطی قرار داد که به ناچار دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. در پی این اقدام رئیس کارگاه سد و تونل گاویشان به همراه تعدادی از مدیران ارشد در جمع کارگران حاضر شد و بعد از گفتگوهایی که با کارگران داشت به آنها قول داد تا در ظرف یک هفته آینده مبلغی به میزان دستمزد دو ماه را به

فعال در این پروژه و به نشانه اعتراض به ناپدید گرفتن حقوق کارگر از سوی کارفرما و همچنین پیمانکار مجری این طرح، صورت گرفت. عدم توجه مسئولین و کادر مدیریتی این پروژه، نسبت به مشکلات محیط کار و همچنین مشکلات معیشتی کارگران و در نهایت عدم پرداخت بلند مدت دستمزد که از اردیبهشت ماه تا کنون به تاخیر

**ناصر احمدی**

صبح روز دوشنبه مورخ 11/07/1384 کارگران کارگاه تونل انتقال آب هلتوشان، پروژه ملی سد و تونل گاویشان در یک اقدام جمعی اعم از پیمانکاران و کارگران این کارگاه دست به اعتصاب زدند. این اقدام در پی عدم پرداخت طولانی مدت دستمزد نیروهای

## حکمت ۲ منتشر شد!

**حکمت نشریه ای تئوریک \_ سیاسی به سر دبیری کورش مدرسی**

